

تجدید ارائه صورت‌های مالی و عوامل نظام راهبری مؤثر بر آن

شیرین حسینی خوراسگانی*

دکتر محسن دستگیر**

چکیده

تجدید ارائه صورت‌های مالی، اصلاحات انجام شده در صورت‌های مالی به دلیل عدم انطباق با اصول عمومی پذیرفته شده حسابداری می‌باشد. تجدید ارائه صورت‌های مالی نشان‌گر این مطلب است که صورت‌های مالی قبلی از شفافیت پایینی برخوردار بوده‌اند. هدف اصلی این تحقیق بررسی رابطه بین برخی مؤلفه‌های نظام راهبری شرکتی بر روی تجدید ارائه صورت‌های مالی است. بنابراین، در این پژوهش تعداد ۱۲۵ شرکت از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به عنوان نمونه انتخاب و اطلاعات مالی آنها طی سال‌های ۱۳۸۷ الی ۱۳۹۰ جمع آوری شدند. بر اساس مبانی نظری و پیشینه پژوهش تعداد ۵ فرضیه تدوین و مورد آزمون قرار گرفت و آزمون فرضیه‌های آماری با استفاده از الگوی رگرسیون داده‌های ترکیبی صورت گرفته است. نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان داد که هر چه مؤلفه‌های راهبری شرکتی در یک شرکت قوی‌تر باشند، کیفیت گزارشگری مطلوب‌تر و احتمال تجدید ارائه صورت‌های مالی (که خود یکی از معیارهای پایین بودن کیفیت گزارش‌های مالی است) کمتر است.

واژه‌های کلیدی: تجدید ارائه صورت‌های مالی، نظام راهبری شرکتی، ساختار مالکیت، تعدیلات سنواتی.

* کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد، اصفهان، ایران.

** عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات اصفهان، اصفهان، ایران.

نویسنده مسئول مقاله: شیرین حسینی خوراسگانی (Email: hoseini_sh85@yahoo.com)

تاریخ پذیرش: ۹۵/۴/۵

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۱/۲

در طول سالیان گذشته، به اهمیت ویژگی‌های مختلف راهبری شرکتی به عنوان مکانیزم نظارتی به منظور کنترل اختیار مدیران توجه رو به رشدی شده است. بخشی از این تأکید به فروپاشی شرکت‌های بزرگی چون انرون^۱، ورلد کام^۲ و پارمالات^۳ بر اثر تقلب‌های موجود در گزارشگری مالی و بخشی دیگر؛ به ادعاهای مطرح شده در خصوص تحریف آشکار سود شرکت‌ها توسط مدیران آنها، مربوط می‌شود (حساس یگانه و باغومیان، ۱۳۸۴).

تئوری نمایندگی نشان می‌دهد که مدیران همیشه به نفع سهامداران عمل نمی‌کنند. آنها برای مصادره کردن دارایی‌های شرکت انگیزه دارند، برای مثال آنها می‌توانند با قبول پروژه‌هایی که به نفع خودشان و به بهای ثروت سهامداران است، باعث کاهش بازده سهامداران و زیان آنها شوند (فاما و جنسن^۴، ۱۹۸۳). بیشتر سرمایه‌گذاران و تدوین‌کنندگان قوانین اعتقاد دارند که برخی از ویژگی‌های راهبری شرکتی (مانند وجود اعضای غیر موظف و مستقل در ترکیب هیئت مدیره) به حفظ منافع سهامداران کمک نموده و هرگونه تضاد منافع بین آنها و مدیریت را کاهش می‌دهند (ابراهیم^۵، ۲۰۰۴). بروز چنین تضادهایی می‌تواند منجر به اقداماتی شده که به ارائه نادرست صورت‌های مالی، کاهش کیفیت گزارشگری مالی و تقلب‌های صورت‌های مالی و در نتیجه تجدید ارائه صورت‌های مالی بیانجامد (عبدالله و همکاران^۶، ۲۰۱۰).

با توجه به اهمیت این موضوع، لزوم بررسی ماهیت تجدید ارائه صورت‌های مالی که شامل حدود، انواع تجدید ارائه و دلایل آن و همچنین راهکارهایی جهت کاهش و کنترل ارائه مجدد می‌باشد، احساس می‌شود. سؤال اصلی تحقیق این است که آیا نظام راهبری شرکتی، تجدید ارائه صورت‌های مالی را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟ از این رو در این تحقیق سعی بر آن است تا تأثیر عوامل نظام راهبری شرکتی مانند استقلال هیئت مدیره، کنترل مالکین، حسابرسی داخلی، مؤسسه حسابرسی و میزان مالکیت سهامدار عمده بر تجدید

ارائه صورت‌های مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با هدف افزایش کیفیت اطلاعات مالی مورد بررسی قرار گیرد.

بر این اساس، در ادامه ابتدا چارچوب نظری، پیشینه تحقیق و فرضیه‌ها ارائه می‌گردد. پس از آن روش تحقیق، جامعه و نمونه آماری و متغیرهای تحقیق بیان گردیده است. در ادامه یافته‌های پژوهش (آزمون فرضیه‌ها) تبیین شده است. در نهایت نتیجه‌گیری، محدودیت‌ها و پیشنهادها بیان شده است.

چارچوب نظری و پیشینه تحقیق

چارچوب نظری

تجدید ارائه صورت‌های مالی، اصلاحات انجام شده در صورت‌های مالی به دلیل عدم انطباق با اصول عمومی پذیرفته شده حسابداری می‌باشد (پالمورس و شولز^۷، ۲۰۰۰؛ افندی و همکاران^۸، ۲۰۰۴). شرکت‌ها هنگام اصلاح اشتباهات دوره‌های گذشته یا تغییر رویه‌های حسابداری باید صورت‌های مالی مقایسه‌ای را تجدید ارائه کنند. تجدید ارائه صورت‌های مالی بر مربوط بودن و توان اتکای اطلاعات صورت‌های مالی اثر منفی دارد با این حال، طی سال‌های اخیر تجدید ارائه صورت‌های مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس رواج زیادی داشته است.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های کیفی اطلاعات حسابداری، اتکاپذیری آن است. طبق مفاهیم نظری گزارشگری مالی، اطلاعاتی اتکاپذیر است که از اشتباه و تمایلات جانبدارانه خالی باشد. تحقیقاتی که پیشتر در ایران انجام گرفته است، نشان می‌دهد که درصد بالایی از شرکت‌های ایرانی به دلیل اصلاح اشتباهات حسابداری، صورت‌های مالی را تجدید ارائه و رقمی را تحت عنوان تعدیلات سنواتی گزارش می‌کنند (سروری مهر، ۱۳۸۵ و کردستانی و همکاران، ۱۳۸۹). این موضوع نشان می‌دهد که اطلاعات حسابداری شرکت‌ها از نظر ویژگی عاری از اشتباه بودن مورد تردید است. استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی طیف گسترده‌ای از افراد با شرایط گوناگون می‌باشند. برای این که تمامی این افراد بتوانند به منظور اتخاذ تصمیمات صحیح حداکثر استفاده از اطلاعات مالی

مندرج در صورت‌های مالی را ببرند؛ اطلاعات مالی باید دارای خصوصیات باشند. در مفاهیم نظری گزارشگری مالی ایران ویژگی‌های کیفی اطلاعات مالی، ذکر شده است. تعدیلات سنواتی که موضوع این پژوهش است با هر چهار ویژگی خصوصیات کیفی (مربوط بودن، قابل اتکا بودن، قابل مقایسه بودن، قابل فهم بودن) مرتبط می‌باشد. با توجه به اینکه اقلام مربوط به تجدید آرائه، در حسابی تحت عنوان تعدیلات سنواتی ثبت می‌گردد؛ لازم است واژه تعدیلات سنواتی تشریح گردد. طبق بند ۳۷ استاندارد شماره ۶ حسابداری ایران تعدیلات سنواتی این گونه تعریف می‌شود: تعدیلات سنواتی یعنی اقلام مربوط به سنوات قبل که در تعدیل مانده سود (زیان) انباشته ابتدای دوره منظور می‌گردد، به اقلامی محدود می‌شود که از «تغییر در رویه حسابداری» و «اصلاح اشتباه» ناشی گردد (کمیته تدوین استانداردهای حسابداری، ۱۳۸۸).

اثر تعدیلات سنواتی باید از طریق اصلاح مانده سود (زیان) انباشته ابتدای دوره در صورت‌های مالی منعکس گردد. اقلام مقایسه‌ای صورت‌های مالی نیز باید آرائه مجدد شود، مگر این که این امر عملی نباشد. از نظر گزارشگری، تعدیلات سنواتی در گردش حساب سود و زیان انباشته به عنوان تعدیل سود (زیان) انباشته ابتدای دوره (قبل از تجدید آرائه) گزارش می‌شود. سود (زیان) انباشته تعدیل شده باید با سود (زیان) انباشته پایان دوره سال قبل (رقم مقایسه‌ای)، پس از تجدید آرائه یکسان باشد (کمیته تدوین استانداردهای حسابداری، ۱۳۸۸). نتایج پژوهش وانگ و ژیا^۱ (۲۰۰۶) نشان داد که دلیل اصلی آرائه مجدد صورت‌های مالی، اصلاح اشتباه ناشی از شناسایی درآمد در دوره‌های گذشته است. همچنین وو^۱ (۲۰۰۲) در پژوهش خود به همین نتایج دست یافته بود. بعضی از عوامل احتمال آرائه مجدد صورت‌های مالی را تا حد زیادی افزایش می‌دهند؛ این عوامل شامل قدرت سودآوری ضعیف، کنترل توسط سهامداران دولتی، مالکیت گسترده، درجه اهرم بالا، کوچک بودن اندازه شرکت و تغییر مدیران می‌باشد.

آرائه مجدد برای بازار حاوی اطلاعات جدیدی است. از دیدگاه سرمایه‌گذاران، اخبار آرائه مجدد فقط بیانگر مشکلات عملکرد دوره گذشته نیست بلکه نوعی پیش‌بینی مشکلات

آتی برای شرکت و مدیریت آن نیز محسوب می‌شود. به عبارت دیگر، موجب سلب اطمینان سرمایه‌گذاران نسبت به اعتبار و شایستگی مدیریت و کاهش کیفیت سودهای گزارش شده می‌گردد (زیا، ۲۰۰۶). با توجه به آنچه بیان شد، استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی، به طور معمول نسبت به تجدیدارائه صورت‌های مالی واکنش منفی از خود نشان می‌دهند. کاهش اعتبار شرکت، جابجایی مدیران، روند نزولی میانگین بازده غیر عادی، کاهش نرخ تنزیل جریان‌های نقدی آتی و افزایش نرخ هزینه سرمایه همگی از علائم واکنش منفی استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی می‌باشد (شجاعی آرانی، ۱۳۹۱).

کالن و همکاران^{۱۱} (۲۰۰۲)، دلایل احتمالی واکنش منفی بازار به ارائه مجدد

صورت‌های مالی را اینگونه بر می‌شمارد:

۱. تجدید ارائه، اخبار و اطلاعات جدیدی حاکی از کاهش جریان‌های نقدی مورد انتظار آتی، به بازار منتقل می‌کند.

۲. نشانه‌ای از سیستم اطلاعاتی و گزارشگری حسابداری ضعیف و احتمالاً نقطه عطفی در ارتباط با بروز مشکلات مدیریتی شرکت است.

۳. علامتی از رفتار فرصت طلبانه مدیریت است و مبین آن است که باید سودهای گزارش شده قبلی به دلیل به کارگرفتن روش‌های پذیرفته نشده، برآورده و اشتباهات عمدی و سهوی اصلاح گردند.

تعاریف موجود از راهبری شرکتی در یک طیف وسیع شامل دیدگاه‌های محدود در یک سو و دیدگاه‌های گسترده در سوی دیگر طیف قرار دارند. در دیدگاه‌های محدود، راهبری شرکتی به رابطه شرکت و سهامداران محدود می‌شود. این یک الگوی قدیمی است که در قالب تئوری نمایندگی بیان می‌شود. در آن سوی طیف، راهبری شرکتی را می‌توان به صورت یک شبکه از روابط دید که نه تنها بین شرکت و مالکان آنها (سهامداران) بلکه بین شرکت و عده زیادی از ذینفعان از جمله کارکنان، مشتریان، فروشندگان، دارندگان اوراق قرضه و ... وجود دارند. چنین دیدگاهی در قالب تئوری ذینفعان دیده می‌شود (حساس یگانه، ۱۳۸۴).

بررسی کلی تعاریف راهبری شرکتی در متون علمی نشان می‌دهد که تمام آنها دارای یک ویژگی مشترک و معینی هستند که یکی از آنها پاسخگویی است. تعاریف محدود راهبری شرکتی متمرکز بر قابلیت‌های سیستم قانونی یک کشور برای حفظ حقوق سهامداران اقلیت می‌باشند (مثلاً پارکینسون، ۱۹۹۴). این تعاریف اساساً برای مقایسه بین کشوری مناسب هستند و قوانین هر کشوری، نقش تعیین‌کننده‌ای در سیستم راهبری شرکتی دارد (حساس‌یگانه، ۱۳۸۴). در یک نگاه کلی راهبری شرکتی، شامل ترتیبات حقوقی، فرهنگی و نهادی می‌شود که سمت و سوی حرکت و عملکرد شرکت‌ها را تعیین می‌کند. عناصری که در این صحنه وجود دارد، عبارت است از، سهامداران و ساختار مالکیت آنها، اعضای هیئت مدیره و ترکیب آنها، مدیریت شرکت که توسط مدیرعامل یا مدیر ارشد اجرایی هدایت می‌شود و سایر ذینفعان که امکان اثرگذاری بر حرکت شرکت را دارند (نمازی و کرمانی، ۱۳۸۷).

پیشینه پژوهش

در ادامه به برخی مطالعات انجام شده مشابه و مرتبط با موضوع پژوهش ارائه می‌شود. وانگ و وو^{۱۲} (۲۰۱۱)، در تحقیق خود با عنوان «کیفیت گزارشگری مالی در چین از دیدگاه تجدید ارائه»، تجدید ارائه صورت‌های مالی را نشانه‌ای از کیفیت پایین گزارش‌های مالی در گذشته دانسته‌اند. طبق نتایج تحقیق آنها، شرکت‌هایی که سودآوری کمتر و مالکیت دولتی بیشتر دارند، کیفیت گزارشگری پایین‌تری دارند. همچنین آنها دریافتند که عکس‌العمل‌های سرمایه‌گذاران در مقابل اطلاعات سال جاری، بیشتر از اطلاعات سال‌های مالی قبل است. اشمید و همکاران^{۱۳} (۲۰۱۱)، در پژوهشی تحت عنوان «راهبری شرکتی و ارزش شرکت» به بررسی رابطه میان راهبری شرکتی و ارزش شرکت در ۲۲ کشور توسعه یافته در طی سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۷ پرداختند. آنها در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که برای هر سه معیار حاکمیتی رابطه معنادار و مثبتی میان نظام راهبری شرکت و ارزش شرکت وجود دارد.

گلی سن و همکاران^۴ (۲۰۰۸)، در تحقیقی با عنوان «تأثیر ارائه مجدد صورت‌های مالی بر شرکت‌های مشابه در همان صنعت» دریافته‌اند که تجدید ارائه، اطلاعاتی را در مورد بدتر شدن وضع اقتصادی در صنعت مربوطه انتقال می‌دهد. به بیان دیگر، تجدید ارائه توسط شرکت‌های بزرگ باعث می‌شود که سرمایه‌گذاران در مورد کیفیت حسابداری دچار ابهام بیشتری شوند و واکنش شدیدتری از خود نشان دهند. **وانگ ژیا (۲۰۰۶)**، در پژوهشی با عنوان «تجدید ارائه صورت‌های مالی: مقایسه بین چین و ایالات متحده آمریکا» به این نتیجه رسید که قدرت سودآوری ضعیف، کنترل توسط سهامداران دولتی، مالکیت گسترده، درجه اهرم بالا، کوچک بودن اندازه شرکت و جابجایی مدیران، احتمال وقوع ارائه مجدد صورت‌های مالی را تا حد زیادی افزایش می‌دهند. در ضمن این پژوهش نشان داد، دلیل اصلی ارائه مجدد صورت‌های مالی، اصلاح اشتباه ناشی از شناسایی درآمد دوره‌های گذشته می‌باشد.

نیکبخت و رفیعی (۱۳۹۱)، در پژوهشی به تدوین الگوی عوامل مؤثر بر تجدید ارائه صورت‌های مالی در ایران پرداختند. نخستین عامل مؤثر بر تجدید ارائه صورت‌های مالی از طریق مصاحبه با ۵۰ نفر از خبرگان شناسایی، و سپس با استفاده از رگرسیون لجستیک و به روش داده‌های تلفیقی، الگوی مورد نظر تخمین زده شد. الگوی تخمین زده نشان داد که سودآوری، اهرم مالی، طول دوره تصدی مدیریت، تغییر مدیریت، تغییر حسابرس و اندازه مؤسسه حسابرسی بر وقوع تجدید ارائه صورت‌های مالی مؤثر است. تأثیر افزایش سرمایه، پاداش مدیریت و اندازه شرکت بر وقوع تجدید ارائه صورت‌های مالی در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید نشد.

کاظمی (۱۳۸۹)، در مطالعه‌ای با عنوان «مدلی برای سنجش تأثیر ارائه مجدد صورت‌های مالی بر محتوای اطلاعاتی سود» به بررسی کاهش بلند مدت محتوای اطلاعاتی سود، متعاقب تجدید ارائه صورت‌های مالی و ارائه مدلی جهت سنجش تأثیر تجدید ارائه صورت‌های مالی بر محتوای اطلاعاتی سود پرداخته است. نتایج تحقیق او حاکی از آن بود که شرکت‌هایی که عمده‌ترین دلیل تجدید ارائه آنها اصلاح اشتباه ناشی از شناسایی

درآمد است، کاهش بیشتری در محتوای اطلاعاتی سود خواهند داشت. **مفاخری آردهه (۱۳۸۹)**، به بررسی چگونگی تأثیر تغییر حسابرس بر تعدیلات سنواتی و تجدید آرائه صورت‌های مالی دوره‌های گذشته پرداخت. او هم‌چنین، شواهد تجربی در رابطه با تأثیر تغییر ادواری حسابرس مستقل بر افزایش قابلیت اتکای صورت‌های مالی و کیفیت گزارشگری مالی، را مورد بررسی قرارداد. نتایج پژوهش او نشان داد که تغییر حسابرس مستقل بر احتمال انجام تعدیلات سنواتی و اهمیت نسبی تعدیلات سنواتی در شرکت‌های بورس اوراق بهادار تأثیری ندارد.

فرضیه‌های تحقیق

با توجه به مبانی نظری و برای دستیابی به هدف تحقیق، فرضیه‌هایی به شرح زیر تدوین شده است:

فرضیه اول: درصد سهام سهامدار عمده با تجدید آرائه صورت‌های مالی، رابطه منفی دارد.
فرضیه دوم: شرکت‌هایی که تحت کنترل مالکین دارای سهام بیش از ۵۰٪ هستند نسبت به شرکت‌هایی که تحت کنترل مالکین دارای سهام بیش از ۵۰٪ نیستند، صورت‌های مالی خود را بیشتر تجدید آرائه می‌کنند.

فرضیه سوم: نسبت اعضای غیر موظف هیئت مدیره با تجدید آرائه صورت‌های مالی، رابطه منفی دارد.

فرضیه چهارم: شرکت‌هایی که دارای واحد حسابرسی داخلی می‌باشند نسبت به شرکت‌هایی که فاقد واحد حسابرسی داخلی می‌باشند، صورت‌های مالی خود را کمتر تجدید آرائه می‌کنند.

فرضیه پنجم: شرکت‌هایی که حسابرسی آنها توسط سازمان حسابرسی انجام می‌شود نسبت به شرکت‌هایی که حسابرسی آنها توسط مؤسسات عضو جامعه حسابداران رسمی ایران حسابرسی می‌شود، صورت‌های مالی خود را کمتر تجدید آرائه می‌کنند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف، نوعی تحقیق کاربردی است و از لحاظ نحوه گردآوری داده‌ها به دلیل اینکه به توصیف شرایط و پدیده مورد بررسی (تعدیلات سنواتی) پرداخته می‌شود؛ یک تحقیق توصیفی است و چون هدف، پیش‌بینی یک متغیر وابسته از طریق متغیر مستقل است؛ پژوهش از نوع تحلیل رگرسیون می‌باشد. داده‌های مورد نیاز جهت آزمون فرضیات با استفاده از روش میدانی و از طریق مراجعه به صورت‌های مالی شرکت‌های عضو جامعه آماری استخراج شده است. در این پژوهش برای به دست آوردن متغیرهای مورد نیاز، از مدارک و اسناد موجود در وبسایت‌های وابسته به سازمان بورس اوراق بهادار تهران از جمله، متن صورت‌های مالی، یادداشت‌های همراه، گزارش فعالیت هیئت مدیره به مجمع عمومی عادی سالیانه، صورتجلسات مجمع، گزارش حسابرسی شرکت‌ها و سایر اطلاعات موجود از نرم‌افزار اطلاعاتی تدبیرپرداز فراهم آمده است.

جامعه و نمونه آماری

قلمرو زمانی پژوهش حاضر، محدوده زمانی سال‌های مالی ۱۳۸۷ الی ۱۳۹۰، هم‌چنین قلمرو مکانی این پژوهش، شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده و جامعه آماری پژوهش، صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. برای انتخاب نمونه آماری در تحقیق حاضر از روش حذف سیستماتیک استفاده گردیده است، به طوری که شرکت‌هایی که واجد کلیه شرایط زیر باشند، نمونه آماری را تشکیل می‌دهند:

۱. قبل از سال ۱۳۸۷ در بورس پذیرفته شده باشند.
۲. سال مالی آن‌ها منتهی به ۲۹ اسفند ماه باشد.
۳. جزء شرکت‌های واسطه‌گری مالی شامل بانک‌ها، شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بیمه و لیزینگ نباشد.
۴. داده‌های مورد نیاز آنها در دسترس باشد.

۵. شرکت‌هایی که حداقل در یک سال از قلمرو زمانی پژوهش، صورت‌های مالی خود را تجدید ارائه کرده باشند.

پس از بررسی‌های لازم و اعمال محدودیت‌های بالا، مشخص گردید که تعداد ۵۰۰ سال شرکت حائز کلیه شرایط فوق بودند که به عنوان نمونه انتخاب شدند.

الگو و متغیرهای پژوهش

به منظور تعیین تأثیر نظام راهبری شرکتی بر تجدید ارائه صورت‌های مالی از الگوی شماره ۱ استفاده شده است:

$$\text{Prob}(\text{Restate}_i=1) = \beta_0 + \beta_1 \text{Block}_i + \beta_2 \text{Ind}_i + \beta_3 \text{IA}_i + \beta_4 \text{Control}_i + \beta_5 \text{Audit}_i + \beta_6 \text{ROA}_i + \beta_7 \text{Lev}_i + \beta_8 \text{Size}_i + \epsilon_i \quad (1)$$

هم‌چنین، در این پژوهش سعی شده است به منظور بررسی عوامل نظام راهبری مؤثر بر تجدید ارائه صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار، از متغیرهایی استفاده شود که دارای پشتوانه نظری بوده و در عمل نیز در تصمیم‌گیری‌های استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی مورد استفاده قرار گیرند، بنابراین متغیرهای مورد استفاده در الگوی پژوهش به شرح زیر بوده‌اند:

متغیر وابسته

تجدید ارائه (Restate): اگر شرکت صورت‌های مالی خود را تجدید ارائه کرده باشد این شاخص برابر با ۱ و در غیر این صورت صفر است. تعدیلات سنواتی یعنی تعدیل سود انباشته ابتدای دوره و تجدید ارائه اقلام مقایسه‌ای صورت‌های مالی شرکت‌ها که از تغییر رویه حسابداری و اصلاح اشتباه ناشی می‌شود (کردستانی و همکاران، ۱۳۸۹). بنابراین، شرکت‌هایی که صورت‌های مالی خود را در گزارش‌های سالانه شرکت در طول دوره مورد بررسی تنظیم و ارائه مجدد کرده‌اند، از طریق جستجوی کلمات کلیدی تنظیم و ارائه مجدد، تعدیل و اصلاح کردن، تجدید ارائه شده، یا تعدیل سال قبل، برای شواهد تنظیم و ارائه مجدد در هر گزارش سالانه و هم‌چنین، با توجه به تعریف اداره حسابداری کل امریکا (GAO) از تجدید ارائه صورت‌های مالی، مشخص خواهند شد (موسوی، ۱۳۹۱).

متغیرهای مستقل

متغیرهای مستقل تحقیق عبارتند از:

بلوک سهام (Block): درصد سهام تحت مالکیت سهامدار عمده است. در این تحقیق سهامداران عمده، اشخاص حقیقی یا حقوقی هستند که حداقل پنج درصد از سهام شرکت را در دست دارند (زانگ و همکاران^{۱۵}، ۲۰۰۷). برای محاسبه این متغیر، از مجموع درصد سهام این افراد استفاده شده است.

استقلال هیئت مدیره (Ind): نسبت تعداد اعضای غیر موظف هیئت مدیره به کل اعضا می‌باشد.

حسابرس داخلی (Internal Auditor): اگر شرکت دارای حسابرس داخلی باشد این شاخص برابر ۱ و در غیر این صورت صفر است.

کنترل (Control): اگر شرکت تحت کنترل مالکین دارای سهام بیش از ۵۰ درصد باشد این شاخص برابر ۱ و در غیر این صورت صفر است. در استاندارد حسابداری شماره ۱۸ صورت‌های مالی تلفیقی و حسابداری سرمایه‌گذاری در واحدهای تجاری فرعی مقرر گردیده است: «کنترل، توانایی راهبری سیاست‌های مالی و عملیاتی یک واحد تجاری به منظور کسب منافع از فعالیت‌های آن می‌باشد. هنگامی که یک واحد تجاری اصلی، به طور مستقیم یا غیرمستقیم از طریق واحدهای تجاری فرعی دیگر خود، مالک بیش از نصف سهام با حق رأی یک واحد تجاری باشد، فرض بر وجود کنترل بر آن واحد تجاری است، مگر در موارد استثنایی که بتوان آشکارا نشان داد چنین مالکیتی، سبب کنترل واحد تجاری نمی‌شود» (کمیته تدوین استانداردهای حسابداری، ۱۳۸۸).

نوع حسابرس (Audit): اگر شرکت توسط سازمان حسابرسی، حسابرسی شود برابر ۱ در غیر این صورت صفر است.

متغیرهای کنترلی

متغیرهای کنترلی تحقیق عبارتند از:

بازده دارایی‌ها (ROA): جمع بازده دارایی‌های شرکت است.

اهرم (Lev): برابر با نسبت بدهی‌ها به دارایی‌های شرکت می‌باشد.
اندازه شرکت (Size): برابر با لگاریتم طبیعی جمع دارایی‌های شرکت است.

یافته‌های پژوهش

نتایج آمار توصیفی

یکی از کاربردهای عمده آمار توصیفی که به وسیله آن می‌توان اطلاعات جمع‌آوری شده را تنظیم، طبقه‌بندی و خلاصه نمود، تسهیل در فهم و حفظ نتایج حاصل از مشاهده‌ها است. به همین منظور آماره‌های توصیفی مربوط به متغیرهای تحقیق در جدول شماره ۱ ارائه شده‌اند. میانگین ۰/۶۶ و میانه ۰/۶ استقلالی هیئت مدیره بیانگر استقلال بیش از نیمی از نمونه مورد بررسی می‌باشد و می‌تواند نقش اعضای غیرموظف در نظام راهبری و تجدید ارائه گزارش مالی را نشان دهد. نزدیکی میانه و میانگین این متغیر، نشان‌دهنده توزیع نرمال آن نیز می‌باشد.

جدول شماره ۱. آمار توصیفی پژوهش

متغیرها	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	انحراف معیار
IND	۰/۶۶	۰/۶۰	۱	۰/۰۰	۰/۲۰
LEV	۰/۶۶	۰/۶۵	۲/۷۵	۰/۱۲	۰/۲۵
OWN	۰/۵۰	۰/۵۰	۱	۰/۰۷	۰/۲۱
ROA	۰/۰۸	۰/۰۸	۰/۴۵	-۰/۳۳	۰/۱۲
SIZE	۵/۸۷	۵/۷۷	۸/۰۸	۴/۳۶	۰/۶۴
AU_TYPE	۰/۲۴	۰/۰۰	۱/۰۰	۰/۰۰	۰/۴۳
CTRL	۰/۵۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۰/۰۰	۰/۵۰
I AUDIT	۰/۲۸	۰/۰۰	۱/۰۰	۰/۰۰	۰/۴۵
RE	۰/۸۱	۱/۰۰	۱/۰۰	۰/۰۰	۰/۳۹

میانگین اهرم مالی نشان می‌دهد که شرکت‌ها ۶۶٪ منابع مورد نیاز خود را از طریق بدهی تأمین می‌کنند، انحراف معیار ۰/۲۵ آن نیز پراکندگی کم داده‌های مورد بررسی را نشان می‌دهد. به طور متوسط ۰/۲۸ شرکت‌های مورد بررسی دارای حسابرس داخلی بوده و

از طریق آنها اعمال کنترل، نظارت و کاهش تجدید ارائه وجود دارد. میانگین پایین و میانه صفر این متغیر می‌تواند بر نتایج تحقیق و عدم وجود رابطه تأثیر گذار باشد. به طور متوسط ۰/۲۴ شرکت‌های نمونه توسط سازمان حسابرسی، حسابرسی شده و اکثر شرکت‌ها توسط سایر مؤسسه‌ها، بنابراین انتظار می‌رود، صورت‌های مورد بررسی سازمان حسابرسی کمتر مورد تجدید ارائه قرار گیرد. با توجه به آمار توصیفی، ۰/۵ شرکت‌ها دارای سهامداران بیش از ۵۰٪ مالکیت سهام می‌باشد، در حالی که میانه یک نشان‌دهنده آن است که بیش از نیمی از داده‌ها دارای سهامداران با مالکیت بیش از ۵۰٪ می‌باشد که می‌توانند بر نحوه گزارش‌ها در یک دوره و تجدید ارائه آن در دوره بعد مؤثر باشد. حداکثر اندازه شرکت ۸/۰۸ و حداقل آن ۴/۳۶ می‌باشد، به عبارتی نمونه، دارای اندازه‌های متفاوت بوده ولی نزدیکی میانگین و میانه آن نیز ۵/۸۷ و ۵/۷۷ بیانگر توزیع متقارن داده‌ها است.

برای بررسی وجود و جهت همبستگی خطی بین متغیرهای تحقیق، آزمون ضرایب همبستگی انجام شده و نتایج آن در جدول شماره ۲ ارائه شده است. در این بخش نیز، از آن جا که همبستگی بین متغیرهای دو ارزشی و سایر متغیرها، ارزش اطلاعاتی ندارد، متغیرهای دو ارزشی ارائه نشده‌اند.

جدول شماره ۲. جدول ضرایب همبستگی

متغیرها	IND	LEV	OWN	ROA	SIZE
IND	۱				
LEV	-۰/۰۸	۱			
	(۰/۰۶)				
OWN	-۰/۱۲	-۰/۰۶	۱		
	(۰/۰۰)	(۰/۲۱)			
ROA	۰/۰۶	-۰/۶۶	۰/۱۵	۱	
	(۰/۱۶)	(۰/۰۰)	(۰/۰۰)		
SIZE	۰/۰۲	۰/۰۱	-۰/۰۹	۰/۰۸	۱
	(۰/۶۳)	(۰/۸۷)	(۰/۰۴)	(۰/۰۶)	

سطح معناداری در داخل پرانتز آورده شده است.

نتایج ارائه شده در جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که بین استقلال هیئت مدیره و متغیرهای نسبت اهرم (۰/۰۸-) و مالکیت عمده (۰/۱۲-) به ترتیب همبستگی معناداری در سطح ۱۰٪ و ۱٪ وجود دارد. ضریب همبستگی بین نسبت اهرم و بازده دارایی‌ها (۰/۶۶-) است که در سطح ۱٪ معنادار است. مالکیت عمده با دو متغیر بازده دارایی‌ها (۰/۱۵) و اندازه شرکت (۰/۰۹-) به ترتیب در سطح ۱٪ و ۵٪ همبستگی معناداری دارد. ضریب همبستگی بین بازده دارایی‌ها و اندازه شرکت (۰/۰۸) نیز در سطح ۱۰٪ معنادار می‌باشد.

نتایج برآورد الگوی پژوهش به روش اثرات ثابت، آزمون لیمر و آزمون هاسمن

نتایج برآورد الگوی پژوهش با الگوی لوجیستیک اثرات ثابت و آزمون‌های لیمر و هاسمن در جدول شماره ۳ ارائه شده است. معناداری آماره لیمر (۳۳/۷۵) در سطح ۱٪ نشان می‌دهد که داده‌ها از نوع تابلویی هستند. حال باید به این موضوع پرداخته شود که الگوی اثرات ثابت بر الگوی اثرات تصادفی نیز برتری دارد یا خیر. بدین منظور از آزمون هاسمن استفاده می‌شود. معناداری آماره هاسمن (۲۸۷/۶۴) در سطح ۱٪ نشان می‌دهد که الگوی اثرات ثابت بر الگوی اثرات تصادفی نیز برتری معناداری دارد. بنابراین، به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش، بر نتایج برآورد الگو با استفاده از اثرات ثابت تکیه می‌شود.

نتایج ارائه شده نشان می‌دهند که ضریب متغیرهای مالکیت عمده (۰/۰۳-)، استقلال هیئت مدیره (۰/۸۹-)، وجود واحد حسابرسی داخلی (۱/۴۲-)، کنترل توسط مالکین دارای سهام بیش از ۵۰ درصد (۰/۹۵)، نوع حسابرس (۰/۵۵-)، اندازه شرکت (۱/۰۲) و نسبت اهرم (۰/۴۷-)، همگی در سطح ۱٪ معنادارند. همچنین، معناداری آماره نسبت راست‌نمایی (۳۰۴/۴۷) بیانگر معناداری کلی الگوی پژوهش است. منفی و معنادار بودن ضریب متغیر مالکیت عمده (۰/۰۳-) نشان می‌دهد که بین مالکیت عمده و تجدید ارائه صورت‌های مالی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. این موضوع به معنای عدم رد فرضیه اول پژوهش است. مثبت و معنادار بودن ضریب متغیر کنترل توسط مالکین دارای سهام بیش از ۵۰ درصد (۰/۹۵) نشان می‌دهد که بین متغیر کنترل توسط مالکین دارای سهام بیش از ۵۰

درصد و تجدید ارائه صورت های مالی، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. این موضوع به معنای عدم رد فرضیه دوم پژوهش است.

جدول شماره ۳. نتایج برآورد الگوی پژوهش

متغیر	ضریب متغیر	آماره Z	سطح معناداری
عرض از مبدأ	---	---	---
OWN	-۲/۰۳	-۶/۴۴	۰/۰۰
IND	-۰/۸۹	-۵/۹۲	۰/۰۰
IAudit	-۱/۴۲	-۸/۱۳	۰/۰۰
Control	۰/۹۵	۶/۹۱	۰/۰۰
Au_Type	-۰/۵۵	-۷/۳۴	۰/۰۰
SIZE	۱/۰۲	۷/۴۲	۰/۰۰
LEV	-۰/۴۷	-۲/۸۷	۰/۰۰
ROA	۰/۳۱	۱/۱۵	۰/۲۵
آماره نسبت راست نمایی (سطح معناداری)		۳۰۴/۴۷ (۰/۰۰)	
آماره لیمیر (سطح معناداری)		۳۳/۷۵ (۰/۰۰)	
آماره هاسمن (سطح معناداری)		۲۸۷/۶۴ (۰/۰۰)	

منفی و معنادار بودن ضریب متغیر استقلال هیئت مدیره (-۰/۸۹) نشان می دهد که بین استقلال هیئت مدیره و تجدید ارائه صورت های مالی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. این موضوع به معنای عدم رد فرضیه سوم پژوهش است. منفی و معنادار بودن ضریب متغیر وجود واحد حسابرسی داخلی (-۱/۴۲) نشان می دهد شرکت هایی که دارای واحد حسابرسی داخلی می باشند نسبت به شرکت های فاقد واحد حسابرسی داخلی می باشند، صورت های مالی خود را کمتر تجدید ارائه می کنند. این موضوع به معنای عدم رد فرضیه چهارم پژوهش است. منفی و معنادار بودن ضریب متغیر نوع حسابرس (-۰/۵۵) نشان می دهد شرکت هایی که حسابرسی آنها توسط سازمان حسابرسی انجام می شود نسبت به شرکت هایی که حسابرسی آنها توسط مؤسسات عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

حسابرسی می‌شوند، صورت‌های مالی خود را کمتر تجدید ارائه می‌کنند این موضوع به معنای عدم رد فرضیه پنجم پژوهش است.

نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

بر اساس فرضیه اول پژوهش، پیش‌بینی شد که درصد سهام سهامدار عمده با تجدید ارائه صورت‌های مالی، رابطه منفی دارد. نتایج برآورد الگوی پژوهش که در جدول شماره ۳ آورده شده است نشان می‌دهد که ضریب متغیر مالکیت عمده، منفی و معنادار است. این موضوع بیان می‌کند که هر چه درصد مالکیت عمده بیشتر باشد، احتمال تجدید ارائه صورت‌های مالی کاهش می‌یابد. این موضوع بیانگر تأثیر مثبت مالکیت عمده بر کیفیت گزارشگری مالی باشد. **ژی ژونگ و همکاران^۶ (۲۰۱۱)**، در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که بین درصد بزرگترین سهامدار عمده با تجدید ارائه صورت‌های مالی رابطه منفی وجود دارد؛ بنابراین نتایج آزمون این فرضیه با نتایج پژوهش مذکور سازگار است. بر اساس فرضیه دوم تحقیق، پیش‌بینی شد شرکت‌هایی که تحت کنترل مالکین دارای سهام بیش از ۵۰ درصد هستند نسبت به شرکت‌هایی که تحت کنترل مالکین دارای سهام بیش از ۵۰ درصد نیستند صورت‌های مالی خود را بیشتر تجدید ارائه می‌کنند. نتایج برآورد الگوی پژوهش مندرج در جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که ضریب متغیر کنترل، مثبت و معنادار است. این موضوع بیان می‌کند، در شرکت‌هایی که توسط مالکین دارای سهام بیش از ۵۰ درصد کنترل می‌شوند احتمال تجدید ارائه گزارش‌های مالی بیشتر از سایر شرکت‌ها است.

بر اساس فرضیه سوم تحقیق، پیش‌بینی شد که نسبت اعضای غیر موظف هیئت مدیره - که بالا بودن آن نشانه کیفیت بالای راهبری شرکتی است - با تجدید ارائه صورت‌های مالی رابطه منفی دارد. نتایج برآورد الگوی پژوهش که در جدول شماره ۳ آورده شده نشان می‌دهد که ضریب متغیر استقلال هیئت مدیره، منفی و معنادار است. این موضوع بیان می‌کند، در شرکت‌هایی که نسبت اعضای هیئت مدیره غیرموظف بیشتری دارند، راهبری شرکتی قوی‌تر بوده و کیفیت گزارشگری مالی بالاتر است. به همین دلیل، در شرکت‌های

مذکور احتمال تجدید ارائه صورت‌های مالی، کمتر از سایر شرکت‌ها است و با توجه به نتایج به دست آمده از پژوهش **ژی ژونگ و همکاران (۲۰۱۱)**، افزایش نسبت اعضای غیر موظف هیئت مدیره دارای تأثیر منفی بر تجدید ارائه صورت‌های مالی می‌باشد، که با نتایج پژوهش حاضر همخوانی دارد.

بر اساس فرضیه چهارم پژوهش، پیش‌بینی شد شرکت‌هایی که واحد حسابرسی داخلی دارند نسبت به شرکت‌هایی که فاقد واحد حسابرسی داخلی هستند، صورت‌های مالی خود را کمتر تجدید ارائه می‌کنند. نتایج برآورد الگوی پژوهش مندرج در جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که ضریب متغیر وجود واحد حسابرسی داخلی، منفی و معنادار است. این موضوع بیان می‌کند، در شرکت‌هایی که واحد حسابرسی داخلی دارند، راهبری شرکتی قوی‌تر بوده و موجب ارائه گزارش‌های مالی با کیفیت‌تر می‌شود. این موضوع خود موجب کاهش احتمال تجدید ارائه گزارش‌های مالی می‌گردد.

بر اساس فرضیه پنجم پژوهش، پیش‌بینی شد شرکت‌هایی که حسابرسی آنها توسط سازمان حسابرسی انجام می‌شود، نسبت به شرکت‌هایی که حسابرسی آنها توسط مؤسسات عضو جامعه حسابداران رسمی ایران حسابرسی می‌شوند، صورت‌های مالی خود را کمتر تجدید ارائه می‌کنند. نتایج برآورد نتایج برآورد الگوی پژوهش (جدول شماره ۳) نشان می‌دهد که ضریب متغیر نوع حسابرس، منفی و معنادار است. این موضوع بیان می‌کند، شرکت‌هایی که حسابرسی گزارش‌های مالی آن‌ها توسط سازمان حسابرسی انجام می‌شود، دارای کیفیت بالاتری بوده و کمتر تجدید ارائه می‌شوند. **نیکبخت و رفیعی (۱۳۹۱)**، در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که اندازه مؤسسه حسابرسی با تجدید ارائه صورت‌های مالی، رابطه منفی دارد؛ به عبارت دیگر در شرکت‌هایی که توسط مؤسسات بزرگ حسابرسی می‌شوند، تجدید ارائه صورت‌های مالی از سایر شرکت‌ها کمتر رخ می‌دهد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان می‌دهد هر چه مؤلفه‌های راهبری شرکتی در یک شرکت قوی‌تر باشند، کیفیت گزارشگری بالاتر می‌رود و احتمال تجدید ارائه صورت‌های مالی (که خود یکی از معیارهای پایین بودن کیفیت گزارش‌های مالی است) کاهش می‌یابد.

هر پژوهشی به طور آشکار یا نهان متأثر از عواملی می‌باشد. این عوامل بعضاً موجب کاهش دقت و کسب نتایج نادرست می‌شوند. در این تحقیق نیز محدودیت‌هایی وجود داشته که احتمالاً نتایج تحقیق را دستخوش تغییراتی کرده‌اند. در زیر به تعدادی از این محدودیت‌ها اشاره می‌گردد:

۱. عدم تعدیل صورت‌های مالی به واسطه آثار تورم: اقلام مندرج در متن صورت‌های مالی به واسطه آثار تورم تعدیل نشده است و از آن‌جا که واحدهای تجاری در زمان‌های متفاوت تأسیس شده‌اند و اقلام دارایی‌های خود را در زمان‌های مختلف تحصیل نموده‌اند، بنابراین کیفیت قابلیت مقایسه‌ای اقلام می‌تواند بر نتایج پژوهش اثر گذارد و تعمیم نتایج را با محدودیت‌هایی همراه سازد.

۲. نتایج پژوهش با توجه به داده‌های شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و بدون تفکیک شرکت‌ها بر اساس نوع فعالیت و صنعت مربوطه به دست آمده است و ممکن است در خصوص هر یک از صنایع به طور مجزا، نتایج متفاوتی حاصل شود.

۳. در ایران در ارتباط با تجدید ارائه صورت‌های مالی و موضوعات پیرامون آن پژوهش‌های محدودی انجام پذیرفته، که این امر موجب شده تا منابع لازم جهت تدوین مبانی نظری بسیار محدود باشد.

با توجه به نتایج پژوهش، به سازمان حسابرسی، سازمان بورس اوراق بهادار و شرکت‌ها توصیه می‌شود که به تقویت مؤلفه‌های راهبری شرکتی توجه ویژه داشته باشند،

چرا که تقویت راهبری شرکتی موجب افزایش کیفیت گزارشگری مالی شده و از رخداد تقلب و سوء استفاده‌های مالی جلوگیری می‌نماید.

همچنین به محققان توصیه می‌شود در جهت تکمیل مسیرهای آتی پژوهش حاضر، موارد ذیل را مورد بررسی قرار دهند:

۱. تأثیر نقش خصوصی سازی حسابداری در بازار سرمایه بر تجدید ارائه صورت‌های مالی.
۲. بررسی تأثیر ریسک ورشکستگی شرکت بر رابطه بین مؤلفه‌های راهبری شرکتی و احتمال تجدید ارائه گزارش‌های مالی.
۳. رابطه بین استمرار تجدید ارائه صورت‌های مالی و مدت تصدی حسابرس.
۴. تأثیر تجدید ارائه صورت‌های مالی با تأکید بر تفکیک نقش مدیریت و حسابرس.

یادداشت‌ها

- | | |
|------------------------|--------------------|
| 1. Enron | 2. Worldcom |
| 3. Parmalat | 4. Fama and Jensen |
| 5. Ebrahim | 6. Abdullah |
| 7. Palmrose and Scholz | 8. Efendi |
| 9. Xia | 10. Wu |
| 11. Callen | 12. Wang and Wu |
| 13. Schmid | 14. Gleason |
| 15. Zhong | 16. Zhizhong |

References

- Abdullah, S.N., Mohamad-Yusof, N.Z., Mohamad-Nor, M.N. (2010). Financial restatements and corporate governance among malaysian listed companies, *Managerial Auditing Journal*, 25, 526-552.
- Accounting Standards Setting Committee. (2009). Accounting and auditing principles and regulations; Accounting standards. *Audit Organization Publications*, 160 [In Persian].
- Callen, J.L., Livan, J., Segal, D. (2002). Accounting restatements: Are they always bad news for investors? *Working Paper*, University of Toronto and Newyork University.
- Ebrahim, A.M. (2004). The effectiveness of corporate governance, Institutional ownership, and audit quality as monitoring devices of earnings management. Ph.D Dissertation, The State University of NewJersey.
- Efendi, J., Srivastava, A., Swanson, E.P. (2004). Why do corporate managers misstate financial statements? The role of option compensation, corporate

- governance and other factors, *Working Paper*, Texas A&M University, College Station, TX, and May 17.
- Fama, E., Jensen, M.C. (1983). Separation of ownership and control, *Journal of Law & Economics*, 26, 301-26.
- Gleason, C.A., Jenkins, N.T., Johnson, W.B. (2008). The contagion effects of accounting restatements. *Accounting Review*, 83, 83-110.
- Hsasyeganeh, Y. (2005). The concept of corporate governance. *Hesabdar*, 167, 30-33 [In Persian].
- Hsasyeganeh, Y., Baghumian, R. (2005). Corporate governance and financial reporting quality, *Journal of Accounting*, The period of December, Special, 45-86 [In Persian].
- Kazemi, H., Shariat Panahi, M. (2010). Model for measuring the impact of the restatement of financial statements with information content of earnings. *Ph.D Dissertation*, Allameh Tabataba'i University [In Persian].
- Kordestani, G., Azad, A., Kazemi, M. (2010). Experimental tests of the annual changes in the capital market. *Accounting and Auditing Research*, 62-79 [In Persian].
- Mafakheri A.M. (2010). The relationship between the auditor of the annual adjustments. *M.A. Thesis*, Allameh Tabataba'i University [In Persian].
- Mousavi, R. (2012). The relationship between corporate governance and the restated financial statements of listed companies in Tehran Stock Exchange. *M.A. Thesis*, Islamic Azad University, Najafabad [In Persian].
- Namazi, M., Kermani, E. (2008). Effects of ownership structure on the performance of listed companies in Tehran Stock Exchange. *Accounting and Auditing Reviews*, 15(53), 83-100 [In Persian].
- Nikbakht, M., Rafiee, A. (2012). Factors affecting the development of the restated financial statements on Iran. *Journal of Accounting Accounting*, 9, 167-194 [In Persian].
- Palmrose, Z., Scholz, S. (2000). Restated financial statements and auditor litigation, *Working Paper*, University of Southern California.
- Parkinson, J.E. (1994). *Corporate Power and Responsibility*, Oxford University, Press oxford.
- Sarvarimehr, S. (2006). The nature of the annual adjustments in companies. *M.A. Thesis*, Allameh Tabataba'i University [In Persian].
- Schmid, M.M., Ammann, M., Oesch, D. (2011), Corporate governance and firm value, *Journal of Empirical Finance*, 18, 36-55.

- Wang, X., Wu, M. (2011). The quality of financial reporting in China, *China Journal of Accounting Research*, 4(4), 167-196.
- Wu, M. (2002). Earning restatements: A capital market perspective. *Ph.D Dissertation*, New York University, Stern School of Business Administration, Department of Accounting.
- Xia, W. (2006). Accounting restatements: A comparison between China and USA. *Journal of Modern Accounting and Auditing*, 2(10), 10-14.
- Zhizhong, H., Juan, Z., Yanzhi, S., Wenli, X. (2011). Does corporate governance affect restatement of financial reporting, *Nankai Business Review*, 2(3), 289-302.
- Zhong, K., Donald, W.G., Zheng, X. (2007). The effect of monitoring by outside block holders on earnings management. *Quarterly Journal of Business & Economics*, 46, 1.

